

اسلام

و

دانش

«قسمت دوم»

استاد فریدون سپری
نویسنده و محقق - کرمانشاه

قرآن، با فصاحت و بلاغت بی نظیرش به انسان مؤمن، وسعت تفکر و نیروی محاسبه‌ی علمی می‌دهد. دانش قرآنی مجموعه‌ی دانستنیهای پاراسایکولوژی و حسی و این سویی است که به گونه‌ای شگفت انگیز آیات الهی را به ما می‌آموزند. قرآن مرکز انرژی معنایی است و خورشیدوار همیشه درخشنده و تابنده است و هر کس به اندازه‌ی درک و فهمش از مفاهیم ارزنده‌ی آن بهره‌مند می‌شود و در دایره‌ی تصرفات قرآنی قرار می‌گیرد. در دایره‌ی شناخت و فرهنگ قرآنی، حس به کمک آدمی می‌آید و چشم، حقایق آیات در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی، تجربی، زیستی، زمین شناسی و روان شناسی، تاریخ نگاری، جامعه شناسی و... را می‌بیند و گوش، آهنگ‌ها، اصوات، ترتیل و تجوید آیات را می‌شنود و حقایق معنوی آیات آفاقی و انفسی نیز به گوش جان شنیده می‌شوند. انسان در این مرحله، وجودش را به سیستم منظم آیات آشنا می‌کند و دلش را با داروهای شفا بخش کلام خدا، آرامش می‌دهد و از مدار و اندیشه‌ی خودپرستی و لذت‌گرایی بیرون می‌آید و با بال‌های عشق و علاقه‌ی به قرآن، در آسمان معنوی دل پرواز می‌کند. مؤمن خداپرست علم را ودیعه‌ی الهی می‌داند و برای

فراگیری آن، سه جهت قایل است: (۱)

نخست این که خداوند را آفریننده‌ی هستی و قوانین حاکم بر آن می‌شمارد و دانشی را که از پدیده‌های جهان و منابع معنوی وجود انسانی، فرا می‌گیرد «من الله» می‌داند، یعنی شعاع‌های دایره‌ی علم بشری را از مرکز علم پروردگار و دایره‌ی مشیت الهی به حساب می‌آورد. و در چنین تفکری، دانش و معرفت آدمی، ودیعه و موهبتی خدایی است. و بر دانشمند فرض است که در یادگیری، انتقال فکر، تفهیم و تفهم و نحوه‌ی استفاده از مواهب کاربردی، امانت داری کرده، خیانت نکند، و پرده‌های رنگارنگ خلقت را از نقاش ازلی بداند و دانش را وسیله‌ای برای کشف مجهولات و اتصال وجود به علم خداوند به شمار آورد و در این صیوروت و تحول باید قطره‌ی دانش به دریای وجود اصلی متصل شود و از هر نوع رنگی ضد بی رنگی، پاک باشد.

جهت دوم علم، «الی‌اللهی» است یعنی امواج فراگیری دانش باید به سوی حضرت حق که مرکزیت وجود است رهسپار شوند. بدیهی است که این نوع تعلم و دانش اندوزی، پالایشی است یعنی آدمی به هنگام فراگیری و عمل به آن، از هر نوع آلودگی و خواسته‌های نفسانی و شهوت‌مداری دور خواهد بود. دانش آموختن و یادگیری برای رضایت خداوند، ما را از سیطره‌ی وسوسه‌ها، و لذت‌گرایی‌های منفی و شهرت طلبی‌های کاذب نجات می‌دهد و دانشمند باید بکوشد که خود را به مرکز وجود مطلق و به دریای علم ببیوندد.

سومین جهت علم، «مع‌اللهی» است؛ یعنی عالم پژوهشگر در فراگیری و آموزش و کاربرد علمی، خدا را بر خود شاهد و ناظر می‌داند و در کشفیات و اختراعات و نظریه پردازیها و تعلیم و تعلم‌ها، خود را با ذات اقدس الهی، همراه می‌داند. چنین تفکری تضمینی است برای سلامت فکر و روان و رها کردن دانش‌ها از اسارت قدرت‌مداری و انحرافات سلطه آفرین دانشمندی که یادگیری علم را وظیفه الهی خویش به حساب می‌آورد، در لحظات گوناگون، وجود حضرت حق را احساس می‌کند زیرا ایمان دارد که خداوند از رگ گردن به او نزدیک تر است

«و نحن اقرب اليه من حبل الوريد»^(۱) و هر جا که باشد خدا نیز آنجا است. «فاینما تولوا فثم وجه الله»^(۲) از این رو، هر آن و هر لحظه پروردگار توانا و دانا را احساس می‌کند و علم را با الطاف الهی فرا می‌گیرد و دانش آموختگان وادی «معیت» فرازهای معنویت را زود، ادراک می‌کنند و روانشان را با احساس معنویت حضرت حق، صیقلی می‌دهند. بنابر این، آن زمان که ریشه‌ی علوم را از خدا دانستیم و به خاطر او، ارزشها را فرا گرفتیم و تاریکی‌های نادانی را روشن کردیم و با آن حضرت به تعلم و تفهم پرداختیم، روز آزادی و آزادگی ما است.

اسلام به ما می‌آموزد که آفرینش خداوند در نهایت قانون مداری است و استحکام و ظهور و نمود جهان نیز بر مبنای حق و عدالت است و در سلسله‌ی مکونات، هیچ نوع سهل انگاری و فطوری وجود ندارد. قرآن در این باره چنین می‌گوید: «هو الذی جعل الشمس ضیاءً و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب ما خلق الله ذلک الا بالحق یفصل الایات لقوم یعلمون»^(۳) اوست خدایی که آفتاب را درخشان و ماه را تابان گردانید و حرکت ماه را در منازل، معین کرد تا شماره‌ی سالها و حساب روزها را بدانید؛ اینها را جز به حق و مصلحت نظام خلق نیافریده است (و باز بجه نشاید پنداشت) خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت به تفصیل بیان می‌فرماید.

در این آیه، خورشید و ماه و روشنایی و نورانیت آنها از پدیده‌های شگفت انگیز جهان آفرینش‌اند که ما را به محاسبه دقیق علمی و نظریه پردازی‌ها و تئوریهای شناخت جهان راهنمایی می‌کنند و این حقیقت را به ما می‌آموزند که آفرینش، دارای قوانین منظم و نوامیس اصولی است و باید آدمی به تعلیل و تحلیل منطقی آنها بپردازد و در سلسله‌ی آفریدگان و پدیده‌های شگفت انگیز، به علتها و معلولها بسیندیشد و تعالیم و اندیشه‌های خرافی را کنار نهد.

مؤمنان از دیدن ستارگان و گردش کرات و حیات و ممات موجودات و تغییرات و تحولات عناصر عالم، درس توحید می‌آموزند و ایمان دارند که اراده و مشیت حق بر تمام پدیده‌ها و آثار هستی و آفریدگان این سویی و آن سویی، حاکم و فرمان روا است و وجود ستارگان و

سیارات بی شمار و انبوه کهکشانها، خورشیدها، کثرت بیش از اندازه‌ی الکترونها، پروتونها، و ویروسها و میکروبیها را قانونمند می‌شمارند و در انتظام عمومی کائنات هیچ اختلافی نمی‌بینند. قرآن می‌فرماید: «ان فی اختلاف اللیل و النهار و ما خلق الله فی السموت و الارض لآیات لقوم یتقون»^(۴) بی گمان در آمد و شد شب و روز (و در تفاوت کمی و کیفی آنها) و در چیزهایی که خداوند در آسمانها و زمین آفریده است، نشانه‌هایی است (بر وجود آفریدگان) برای کسانی که پرهیزگارند.

اسلام از انسان می‌خواهد که نیروی اندیشیدن را پر و بال بخشد و از مدار حواس به بالاتر بنگرد و قوه‌ی ادراک را در تتبع و تحقیق درباره‌ی پدیده‌های جهان از جمله خورشید، ماه و اختران به کار گیرد و در سراسر هستی آثار صنع خدای یکتا را ببیند. فطرت کائنات بر این پایه است که همه‌ی آفریدگان آسمانها و زمین به زبان تکوینی، خدا را ستایش می‌کنند و جهان مجموعه‌ای است از حرکت و نیرو؛ همچنانکه الکترون به دور نوترون و هسته‌ی مرکزی می‌چرخد، به زبان آفرینشی خدا را نیز حمد و ستایش می‌کند و سیستم منظم و هماهنگ پدیده‌های خلقت ما را به قبول حقیقتی برتر می‌رساند که همه‌ی ابعاد و اجزای آفرینش به تقدیس و تنزیه حضرت حق، مشغولند «سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض و هو العزیز الحکیم»^(۵).

اتصال عالم حواس به جهان فراسو مانند ارتباط آدمی با وحی الهی است یعنی وحی بر این اتصال معنوی صحه می‌گذارد و انسان را از شک و وسواس نجات می‌دهد.

در زبان علمی قرآن، آفرینش کائنات از دایره‌ی فیض و نعمت خداوند است و موجودات گوناگون، در پهنه‌ی جهان و کشتی‌ها در دریاها، نمونه‌هایی از انعام و بخشش الهی‌اند و قرآن این چنین قلبها را با فیضها و الطاف پروردگار آشنا می‌کند:

«الم تر أن الفلك تجری فی البحر بنعمت الله لیریکم من آیاته ان فی ذلک لآیات لكل صبار شکور»^(۶) آیا نمی‌بینی

۲- بقره: ۱۱۵

۳- یونس: ۶۰

۴- لقمان: ۳۱

۱- ق: ۱۶

۳- یونس: ۵۰

۵- حشر- صف: ۱

که کشتی بر دریا به لطف و نعمت خدا سیر و حرکت می‌کند تا به شما بعضی از آیات قدرت خویش را بنمایاند که همانا در این کار، حکمت‌های خدا بر هر شخص صبور در بلا، و شکرگزار نعمت خدا، پدیدار است.

وجود دریا با مولکولهای باز برای حرکت کشتی‌ها و قدرت فکر آدمی در ساختن کشتی، و خود کشتی که مولود اندیشه و تلاش آدمیان است همه از باب رحمت و نعمت خداوندند و رسیدن فکر ما از مصنوع به صانع تاییدی از وحی و عقل است.

نعمتهای الهی را تعداد و شماره نیست و از سلول گرفته تا دستگاه‌های پیچیده‌ی وجود آدمی؛ حرارت بدن، ساعت زیستی، گردش خون، سلسله‌ی اعصاب، و سیستم آزمایشگاهی عظیم کبد و نظم حیرت آور قلب و صدها موارد شناخته و ناشناخته‌ی وجود، ما را به بی‌نهایت بودن نعمت‌های حضرت حق، راهنمایی می‌کنند. از این رو، دانش تجربی و مدرکات ما، ضامن رسیدن به حقایق نسبی عالم است هر چند حقایق و پدیده‌ها راه نهایت و کرانه نیست: «و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم»^(۱) و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را شمارش کنید، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

آدمی از نعمت‌های بی‌شمار خدا، در وجود خود و خارج از آن، در پهنه‌ی هستی بهره‌مند است و سیستم خلقتش چنین است که می‌تواند به رحمت و غفران حق بیندیشد و از کرامت، عظمت، شخصیت انسانی و علمی برخوردار شود. آگاهان و دانش پژوهان، از مظاهر و پدیده‌های خلقت، درس توحید و عبودیت می‌آموزند و صحنه‌های رنگارنگ آفرینش و بدایع زیبا و شگفت‌انگیز را با دیده‌ی تحقیق و علمی و اندیشه‌ی راسخ می‌نگرند و ارزیابی می‌کنند و در سلسله‌ی نظم عمومی کائنات «الله» را واحد و آفریننده‌ی عوالم گوناگون هستی می‌دانند.

«اولم ينظروا في ملكوت السموات والارض و ما خلق الله من شيء»^(۲) آیا در ملکوت و قوای آسمان‌ها و زمین نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند و هم در آن چه خدا آفریده است، نمی‌نگرند؟ تا به قدرت و حکمت خدا و عاقبت عالم قیامت، بینا و دانا شوند.

پژوهشگران، از اثر به مؤثر پی می‌برند و در تحلیل نظام جهان به وحدت علمی و اندیشه می‌رسند و از شک و تردید‌رهایی می‌یابند.

طلوع نور علم به مثابه‌ی حمله‌ی سفیدی و روشنایی بر سپاه تاریکی و پلیدی است. و جهان بی تاریکی نه مفهوم دارد و نه مصداق. و ابدیت تضمینی است از تضادها، که تضادها خطوط استمرار و وجود و حیات را ترسیم می‌کنند.

قرآن، آدمیان را این چنین به معرفت و شناخت، هدایت می‌نماید: «و قل الحمد لله سیریکم آیاته فتعرفونها و ما ربك بغافل عما تعملون»^(۳) و بگو ستایش مختص خدا است که بزودی آیات قدرتش را به شما می‌نماید تا آن‌ها را بشناسید و خدا هرگز از اعمال شما غافل نیست. آیات و نشانه‌های عظمت و شوکت الهی در پهنه‌ی جهان، نمایان است و غافلان، ارتباط تعینات و پدیده‌ها را در نمی‌یابند! و خردمندان و هنرمندانند که خود را به خطوط ارتباطی پیامبران و صالحان می‌پیوندند و از وساوس شیطانی و بردگی نفسانی، نجات می‌یابند.

به عبارتی دیگر، گسترش علوم و فتح سنگرهای ناشناخته‌ی مجهولات و کشف حقایق علمی، از افاضات الهی است که با اشراق‌ها و الهام‌ها، صورت می‌پذیرند و جهان نیز در هر لحظه، منبعی است برای ادراک مبانی و اصول علمی و فلسفی و خرد خدادادی هم ندانسته‌ها را به دانسته‌ها تبدیل می‌کند و جهت‌ها را برای بشر روشن می‌نماید.

آه‌های خفته در سینه‌ها و سوزهای آتشین جهالت، پایا و ماندنی نیستند. و قرآن هم به زمان سوگند می‌خورد که انسان در خسران است «والعصر ان الانسان لفي خسر»^(۴).

زیرا زمان‌ها بهترین فرصت‌ها برای حل مشکلات و معضلات بشرند، اگر چه ما تاوان‌ها را به سختی می‌پردازیم. اما خردهایمان عظیمترین تکیه‌گاه حرکت در مسیر شناخت آیات آفاقی و انفسی است. تاریخ خلقت، بحث شگفت‌انگیزی دارد که فرشتگان به هنگام خلقت

۱- تمل: ۲- اعراف: ۱۸۵

۲- العصر: ۱-۲

۱- تمل:

۳- التمل: ۹۳

آدم عليه السلام به خداوند گفتند: «أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء و نحن نسيح بجمدك و تقدس لك، قال اني اعلم ما لا تعلمون»؛^(۱) آیا موجودی را در زمین می آفرینی که در آن فساد می کند و خونریزی می نماید؟! در حالی که ما تو را ستایش می کنیم و مقدس می شماریم. گفت: من چیزی را (از خلقت آدم و...) می دانم که شما از آن آگاهی ندارید.

ظهور آدم، چهره ای جدید به حیات بخشید. پرستش فرشتگان، جبری و تعبدی است و عبادت آدم و آدمیان، اختیاری و میلی! آدم خلق شد که در نبرد بین نور و ظلمت به دفاع از نور قیام کند و جلوه های آفرینش، حق را در محورهای هستی دریابد.

جهان، حقایق را چنین به تصویر می کشد که اهریمنان تاریک گریند و آدمیان نور شناس.

دانش قرآنی به ما می آموزد که ما به دو گونه اختیار داریم؛ نخست اختیار در پیروی از شیطانیان و غرق شدن در لغو و فساد و آنچه که فرشتگان از آن بیم داشتند، دوم اختیار در کشف مجهولات و فتح سنگرهای ناشناخته ی علمی و راندن آثار و نوامیس شیطانی از صحنه های روان و وجود. چه زیبا است آن دم که با اسلحه ی اراده و شمشیر خرد در میدان های نبرد علیه تاریکی ها و اهریمن و جهل و خودخواهی می تازیم و حیاطمان را از ننگ اسارت شهوات آزاد می کنیم. و راد مردان و آزادگان دنیای دانش هرگز از فشارها و ناملازمات نمی هراسند چنانکه گالیله از تکفیر دادگاه تفتیش عقاید «انکیزاسیون» ترسید و با نوعی خرد ورزی، از سنگربانان راستین علم شد، و پاستور با وجود اهانت های آکادمی علوم فرانسه، دست از تحقیق و تتبع بر نداشت و تهمت کفر به غزالی و ابن سینا، آنان را از ادامه ی راه، نا امید نکرد و ابوعلی در پاسخ به معاندانی که او را به خاطر فلسفه و نظرات علمیش تکفیر می کردند چنین گفت:

كفر چو منی گزاف و آسان نبود
محکم تر از ایمان من، ایمان نبود
در دهر چون من یکی و آن هم کافر
پس در همه ی دهر یک مسلمان نبود

آنان که از دانشمندان و اندیشه هایشان وحشت دارند،

وحشت هایشان توهمی است زیرا، خود، حوصله ی علمی ندارند و از آخرین فرضیات و نظریه ها دم می زنند و بسان پارچه های مندرس در نظافتخانه اند که ظرف ها را آلوده می کنند و پاکی و نظافت را نمی شناسند اینان دست آموزان ابلیسند که فراسوئیان را منکرند و این سوئیان را رقیب و دشمن! از هر چه نشانی از صداقت دارد، بیزارند و صداقتشان در بی صداقتی و جهل مداری است.

قرآن ما را از مدار حس بالاتر و بالاتر می برد و در چنین معرفتی، همه ی موجودات آسمان ها و زمین، لشکریان خداوندند و اقتدار و عزت و شوکت بی نهایت پروردگار بر تمام عوالم گوناگون آفرینش حاکم و غالب است، «و لله جنود السموات و الارض و كان الله عزيزاً حكيماً».^(۲)

اقتدار خدا، معلول اسباب و وسایل نیست، همچنانکه جهان، کلمات خداوند است، همه ی موجودات پهنه ی جهان بی پایان هستی نیز سربازان جان بر کف و مأمورین حق شناس و فداکار خداوندند! (بجز انسان که گاهی از شنای در این دریای عبودیت حق سر باز می زند)، خورشید با همه ی نور و انرژی، ماه با همه ی زیبایی اش، ستارگان با جاذبه هایشان، زمین با زلزله ها، آتشفشان ها، رودها، دریاها، اقیانوسها، گلها، سبزه ها، همه جزو لشکریان حضرت حقند و در مسیر هدایت تکوینی حرکت می کنند و گریز از فرمان الهی در مقوله هدایت آفرینش راه ندارد و خط استمراری وجود، جز اتصال به نظم هدایت نیست. اسلام به ما می آموزد که دانستنی ها باید بر سبیل هدایت نمود یابند و عوالم فراسویی نیز فرازهایی از نظم هدایتند. اگر زمین پیام خدا را می شنود و رعد و ملائکه به نیایش الهی می پردازند نحوه ی شنیدن و تسبیحاتشان جز بر روش هدایت تکوینی نیست. کشش و جاذبه ی ستارگان، قانون جذر و مد دریاها، تابش انوار خورشیدها، و هر چه که قانونمند و جزو ارزش است، همه، در حیطة و سیطره ی هدایت قرار دارند. در هدایت تکوینی، قلب باید بتپد و خون باید گردش کند و باید، مفاهیم هدایتند زیرا هدایت در کبد انسان، ایجاد بزرگترین آزمایشگاه هستی در پیکر انسانی است. و وحی

خداوند به زنبور عسل^(۱) و آسمانها^(۲) نیز از این مقوله است که موجودات ساکت و صامت هم فرمان الهی را با تمام وجود می‌پذیرند. حرکت زیبای پرندگان در هوا، ساختن آشیانه بر درختان، تلاش طاقت فرسای مورچگان، معماری شگفت انگیز موربانها، و زنبوران عسل و همه‌ی آنچه را موجودات برای حفظ و صیانت خود، انجام می‌دهند وجوه علمی دارند که لازم است کشف شوند و از باب هدایتند و علوم قرآنی جلوه‌های مختلف آن را بیشتر می‌نمایند.

اندیشه، هنگامی که قرآنی شود، از اسارت قراردادهای ناهماهنگ و ناموزون بیرون می‌آید و در فضای ارزش‌ها، تجلی پیدا می‌کند، آن زمان که نفع طلبی و سودمداری بر علم چیره شود و وجود انسان را تسخیر نماید، فکر به زنجیر کشیده خواهد شد. عقل‌گرایی در قرآن بالاترین شأن و مقام را دارد و «اولوالالباب» یعنی خردمندان که ریشه‌ای می‌اندیشند، بین انسان و ماده، و فراسو، ارتباط منطقی می‌یابند و وجودشان را از مفاهیم و معنای ارزنده، برخوردار می‌سازند. خردورزی به معنی گریز از خدا محوری و پذیرش حاکمیت الهی نیست. عقل‌گرایان اسلامی از قبیل فارابی، ابن رشد، ابن سینا و ابوریحان بیرونی، ضمن تفسیر و تبیین مبانی فکری و نظری، میدان مغناطیسی جاذبه‌ی عقلانی بشر را بیشتر می‌شناسانند و این شیوه به معنی گسستن عبودیت و بریدن حلقه‌های اتصالی وجود به «الله» نمی‌باشد.

متأسفانه در فرهنگ ما مسلمانان (نه اسلام) در این اواخر به نام‌های گوناگون از جمله معنویت‌گرایی، به عقل‌حمله‌هایی صورت گرفته است که بی‌خبران از توجیه و تشریح آنها بهره‌ای نداشته و به بی‌راهه رفته‌اند. قرآن می‌خواهد که اندیشه‌ی انسانیمان، بارورتر شود و در زمینه‌های اکتشاف و اختراع، کوشا گردیم و وجودمان را در حوزه‌ی دانش و بینش قرار دهیم و هویت اصلی و گم‌شده‌ی خود را باز یابیم! و افکار و رفتارمان را بر این اصول بنا نهیم و نقطه‌های زندگی‌مان را که بر خطوط اتصالی حیاتند، روشن تر کنیم تا ما هم نمودی باشیم از سلسه‌ی نمودارهای ارزنده‌ی جهان. جهان شناختی ما را به حل یک سلسله مجهولات

می‌رساند که هدف آفرینش ما هم جز این نیست که تعلم و تعبد در کنار یکدیگر قرار گیرند و شعاع‌های اتصالی دایره وجودمان با ابدیت پیوند یابند و از یأس فلسفی و تحلیل و تعلیل نادرست آزاد شویم.

در آیات قرآنی، درخشش ستارگان در شب، طلوع و غروب خورشید، تلاطم امواج دریا، طاق عظیم و شگفت انگیز آسمانی، بوی عطرآگین نسیم سحری، زیبای‌ی فرحزای گلها، نم نم باران، غرش رعد، سبزی بهاری، شر شر آب، خش خش برگ‌ها، نغمه‌های دلنشین پرندگان و صدها و هزاران نعمتهای خداوند در پهنه‌ی نظام هستی، انسان را به تفکر و حرکت وادار می‌کنند.

دنیای قرآن، آزمایشگاه عظیم آفرینش الهی است که دانشمندان در آن به تعلیم و تعلم و اختراع و اکتشاف می‌پردازند و وجودشان را به نظم عمومی کائنات می‌پیوندند.

قرآن فصل الخطاب همه‌ی آرمان‌ها و اندیشه‌های فراسوی و این سوی است که فراگیری علم را از آیات آفاقی و انفسی توصیه می‌نماید.

«سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»^(۳) بشناخت جهان و خود و معرفت نسبت به پروردگار در درازای تاریخ آینده‌ی بشر، به گونه‌ای دیگر جلوه خواهد کرد و «علم» آن چنان گسترش می‌یابد که فضاهای تاریک جهان را روشن می‌کند.

ادامه دارد...

۱- «و اوحی ربك الى النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا» فصلت: ۱۲

۲- «و اوحی فی کل سماء امرها» نمل: ۶۸

۳- فصلت: ۵۳